ذره‌بین

رمزگشایی دوباره از حمله به کنگره آمریکا

گزارش تحقیقات انجام‌شده توسط وزارت دادگستری ایالات‌متحده درباره حمله ۶ ژانویه به ساختمان کنگره آمریکا موسوم به کاپیتول حاکی از آن است که اعضای دو گروه راست‌افراطی یعنی «پسران مفتخر» و «حافظان سوگند» که به همراه هزاران نفر از طرفداران دونالد ترامپ به واشنگتن آمده بودند، از مدت‌ها پیش نقشه حمله به کنگره را کشیده بودند.

به گزارش یورونیوز و بر اساس این تحقیق، در روز حمله به ساختمان کنگره آمریکا، اعضای گروه «حافظان سوگند» در حالی راه‌شان را از میان جمعیت باز می‌کردند و به‌سرعت پله‌های کاپیتول را برای ورود به سالن‌های آن بالا می‌رفتند که برنامه روشنی برای این روز داشتند. در آن روز، از مسیر پیام‌های رمزگذاری شده یکی از اپلیکیشن‌هایی که بسیاری از افراط‌گرایان در هنگام حمله به کاپیتول از آن استفاده می‌کردند، کسی دستوری برای اعضای این گروه با این مضمون فرستاده بود: «این مجلس را دستگیر کنید، ما دلایلی درباره اقدام به خیانت و تقلب در انتخابات داریم.»

دادستان‌ها همچنین اعلام کردند که کمی پیش از وقوع این حمله، اعضای دیگر گروه راست‌افراطی یعنی «پسران مفتخر» در حالی که دستگاه‌های بی‌سیم به همراه و هدفن‌هایی در گوش داشتند، سعی کردند همزمان با هجوم جمعیت به سمت کاپیتول، وارد ساختمان شوند. در آن روز فردی نیز در رأس این گروه برای نظارت و رهبری برنامه حمله به کاپیتول تعیین شده بود. وزارت دادگستری آمریکا روی برخی از رهبران و اعضای این گروه به دلیل نقش برجسته‌تری که در حمله داشته‌اند، به‌طور ویژه متمرکز شده و احتمالا برای آنها اتهامات کیفری جدی‌تری مطرح خواهد کرد.

«فشار حداکثری» علیه ایران یک سیاست شکست‌خورده بود



میخائیل اولیانوف، نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی وین اتریش با انتقاد از مقاله اخیر روزنامه سعودی عرب‌نیوز در تمجید سیاست فشار حداکثری آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، این سیاست مربوط به دولت دونالد ترامپ، رئیس جمهور سابق آمریکا را یک سیاست شکست‌خورده توصیف کرد. وی در پیامی توییتری، نوشت: برخی افراد نمی‌توانند از اشتباهات گذشته درس بگیرند. / تاس

کشته شدن ۳۹ معترض میانماری در یک روز

در ادامه اعتراضات مردم میانمار علیه کودتاچیان، تنها در یک روز (روز یکشنبه) ۳۹ معترض دیگر توسط نیروهای امنیتی این کشور کشته شدند. رسانه‌های محلی میانمار همچنین گزارش داده‌اند که در مرکز شهر یانگون و مناطق اطراف آن ازجمله شهرک هالیانگ تایا حکومت نظامی برقرار شده است. شبکه تلویزیونی «میاوادی» که توسط ارتش اداره می‌شود گزارش داده است که نیروهای امنیتی میانمار پس از آن وارد عمل شدند که چهار کارگاه تولید پوشاک توسط معترضین به آتش کشیده شد. / فارس



اعتراض‌ها در انگلیس بر سر خشونت جنسی یک افسر پلیس و حمایت ساختار قضایی از او شدت گرفته است

حاشیه امنیت پلیس‌های متجاوز در لندن

حسین یاری
بخش بین‌الملل

تجاوز، خشونت و نژادپرستی به سه مولفه اصلی و مهم در رفتار پلیس انگلیس با شهروندان تبدیل شده است. در این میان، افسران پلیسی که مرتکب بدترین جرایم جنسی یا نژادی می‌شوند، در سایه حمایت دستگاه قضایی و امنیتی این کشور قرار می‌گیرند. خشم مردم انگلیس در واکنش به اقدام پلیس این کشور علیه افرادی که در مراسم یادبود یک زن ۳۳ ساله قربانی خشونت یک افسر پلیس شرکت کرده بودند، افزایش یافته است. قتل سارا اورارد، زن ۳۳ ساله‌ای که هفته گذشته در راه خانه‌اش در خیابان‌های جنوب لندن ربوده شد و به قتل رسید، جامعه انگلیس را شوکه و بهت‌زده کرده است. جسد او چند روز پیش در جنگلی در نزدیکی شهر آشفورد پیدا شد. وین کوزنز، افسر پلیس انگلیس به جرم دست داشتن در این حادثه جنایی متهم شده است. او که مسؤول محافظت از پارلمان و مراکز دیپلماتیک بوده اکنون در بازداشتگاه به سر می‌برد تا مراحل دادرسی و محاکمه‌اش انجام شود.

برخورد و مواجهه نرم دستگاه قضایی و امنیتی انگلیس با این پلیس متجاوز، منجر به خشم شهروندان این کشور شده است. جلسه محاکمه این افسر پلیس روز یکشنبه و در میان خیل اعتراض‌های عمومی در لندن برگزار شد. با این حال بسیاری از تحلیلگران مسائل اجتماعی در انگلیس معتقدند که مواجهه نرم دستگاه قضایی انگلیس و پلیس این کشور با افسرانی که مرتکب چنین جرایم تکان‌دهنده‌ای می‌شوند، به اندازه‌ای نیست که منجر به پشیمانی آنها شود! سی‌ان‌ان در خصوص تظاهرات صورت گرفته در لندن می‌نویسد: تظاهرکنندگان با سر دادن شعار چه تعداد دیگر باید کشته شوند! خواستار توجه به مسأله خشونت علیه زنان شدند. آنها همچنین با سر دادن شعار ننگ بر شما! به واکنش نیروهای پلیس به مراسم یادبود «سارا اورارد» اعتراض کردند. نیروهای پلیس انگلیس، شرکت‌کنندگان در مراسم یادبود وی (در روز شنبه) را به بهانه نقض محدودیت‌های مربوط به شیوع ویروس کرونا پراکنده کرد. شاهدان عینی به رویترز گفتند که شاهد کشیده شدن چند زن روی زمین به دست پلیس بودند. پلیس لندن اعلام کرد چهار نفر به‌دلیل نقض نظم عمومی و تخطی از مقررات حفاظت بهداشتی بازداشت شدند.

کمک پارلمان انگلیس به افسران متجاوز

در این میان، مجلس عوام انگلیس نه‌تنها اقدامی در راستای استیفای حقوق از دست رفته شهروندان و خصوصا بازماندگان سارا اورارد صورت نداده است، بلکه زمینه را جهت افزایش قدرت مانور پلیس در برابر معترضان به خشونت، تجاوز و نژادپرستی فراهم ساخته است! براساس آنچه روزنامه ایندیپندنت گزارش داده است، در این خصوص لایحه‌ای با هدف افزایش قدرت و اختیارات پلیس در سرکوب اعتراض‌های شهروندان انگلیسی در پارلمان این کشور مطرح شده است! موضوعی که خشم مضاعف شهروندان انگلیسی را برانگیخته است. از سال ۲۰۱۹ و پس از اعتراضات گسترده محیط‌زیستی «قیام علیه انقراض»، دولت محافظه‌کار انگلیس با مطرح کردن شعار «حمایت از پلیس»، افزایش قدرت پلیس در برابر اعتراض‌ها را وعده داد. لایحه «پلیس، جرایم، محکومیت و دادگاه‌ها» معروف به لایحه «نظم و قانون» همه‌ساله در پارلمان انگلیس ارائه می‌شود اما امسال با توجه به قتل یک زن جوان توسط مأمور پلیس این کشور، بر حساسیت آن افزوده شده است. به عقیده نمایندگان حزب کارگر، لایحه جدیدی که قرار است امروز (سه‌شنبه) در پارلمان مطرح شود، تلاش برای مقابله با حق شهروندان برای اعتراض است. این لایحه در حالی مطرح شده است که به نظر می‌رسد در قانونگذاری جدید مربوط به اقدامات لازم برای مقابله با ویروس کرونا نیز برگزاری هرگونه تجمع اعتراضی، به طور کامل ممنوع اعلام شده است. در این لایحه جنجالی، دولت انگلیس به‌دنبال تقویت قدرت پلیس برای مقابله با اعتراضات غیرخشونت‌آمیزی است که تأثیر مخرب قابل توجهی بر جامعه یا دسترسی به پارلمان ایجاد کند.

سرو صدا علیه پلیس ممنوع!

علاوه بر کلیت این لایحه، برخی موضوعات پیش‌بینی شده در آن به اندازه‌ای مضحکانه هستند که حتی سیاستمداران انگلیسی نیز قدرت توجیه آن را از دست داده‌اند. عباراتی که بیش از هر چیز توجه منتقدان را جلب کرده است، جرم انگاری «ایجاد سر و صدا» و ایجاد «مزاحمت‌های جدی» است. در این لایحه برای ایجاد مزاحمت از طریق سر و صدا، تا ۱۰ سال حبس در نظر گرفته شده است. به عبارت بهتر، پلیس هرگونه ایجاد سر و صدا (از تجمع گرفته تا جلب توجه نسبت به اقدامات و احیانا جنایات پلیس) را مصداق جرم تلقی کرده و فردی که در این خصوص بخواهد دیگران را آگاه کند، مجرم شناخته می‌شود. صدور حکم حبس طولانی‌مدت برای افرادی که پرده از اقدامات تجاوزکارانه و سرکوبگرایانه پلیس انگلیس بر می‌دارند، نشان‌دهنده هماهنگی مطلق نهادهای قانونگذاری و امنیتی این کشور به منظور ایجاد حاشیه امن برای افسران خطاکار پلیس است. یکی دیگر از تدابیر اندیشیده شده در این لایحه، اعطای قدرت برچیدن «کمپ زنی‌های اعتراضی» به نیروهای پلیس است که به چادر زدن معترضان در برابر پارلمان و مسدود کردن مسیرهای منتهی به آن در اعتراضات سال‌های گذشته اشاره دارد.

یک نظرسنجی قابل تامل در انگلیس

روزنامه انگلیسی گاردین در گزارشی که بر مبنای یک نظرسنجی گسترده از رنگین پوستان در انگلیس انجام شده، به نکات تاسف‌باری اشاره کرده است. بر اساس این گزارش، بیشتر سیاهپوستان این کشور بر این باورند که هنوز به موضوع نژادپرستی به اندازه کافی پرداخته نشده است و این‌که برخورد رسانه با اقلیت‌های نژادی بدتر از سایر گروه‌هاست. در این بررسی مشخص شد تعداد بیشتری از سیاهپوستان بر این باورند که در انگلیس به اندازه کافی به مسائل نژادی پرداخته نشده است، به گونه‌ای که ۵۶ درصد آنها هشدار دادند به این موضوع اهمیت کافی داده نشده است. این رقم در بین سفیدپوستان انگلیس ۳۱ درصد بود. نتایج یک نظرسنجی جداگانه نیز نشان می‌دهد ۴۶ درصد مردم انگلیس معتقدند خاندان سلطنتی در چند سال اخیر رفتارهای نژادپرستانه داشته است. البته در کل اکثریت ۵۵ درصدی آنها بر این باورند که انگلیس باید همچنان سلطنتی باقی بماند. این رقم در مقایسه با نوامبر ۲۰۱۹، ۶ درصد کاهش یافته است.

پروفسور کوین ریچاردز، استاد فلسفه هنر دانشگاه پنسیلوانیا

نظام سرمایه‌داری بزرگ‌ترین مانع آموزش سواد مالی در آمریکاست

الهام میرمحمدی
کارشناس آکادمی هوش مالی

سواد مالی مقوله‌ای ضروری برای مردم همه کشورهاست اما جوامع مختلف رویکرد متفاوتی به آن دارند و مردم در مسیر کسب آگاهی‌های مالی با موانعی دست به گریبانند. برای آشنایی باسواد مالی در کشورهای مختلف، شناخت الگوها و بهره‌وری از آنها، آکادمی هوش مالی در مجموعه گفت‌وگوهایی اختصاصی با صاحب‌نظران کشورهای مختلف، رویکردها و مسائل موجود در دیگر نقاط جهان را بررسی می‌کند. در این قسمت، پروفسور کوین ریچاردز، استاد فلسفه هنر دانشگاه پنسیلوانیا که شناخت کافی از مردم و ساختار حاکمیتی آمریکا دارد، از سواد مالی در این کشور می‌گوید. آنچه در ادامه می‌آید، مصاحبه اختصاصی آکادمی هوش مالی با این استاد دانشگاه در آمریکاست.

میزان توجه دولت و مردم آمریکا به سرمایه‌گذاری را چطور ارزیابی می‌کنید؟

سواد مالی در آمریکا از بسیاری جهات منعکس‌کننده سلسله‌مراتب اقتصادی جامعه است. اگر فردی در خانواده‌ای مرفه به دنیا آمده باشد، پس‌انداز، برنامه‌ریزی مالی و سرمایه‌گذاری، جزئی از زندگی روزمره اوست و روی آن تأکید می‌شود اما برای بیشتر آمریکایی‌ها، سواد مالی مفهومی نیست که در مرکز توجه باشد. این مفهوم در آمریکا بیشتر از الگوی مصرف نظام سرمایه‌داری حمایت می‌کند. اگر شما در جایگاه دولتمرد، بخواهید مردم درباره نحوه مدیریت امور مالی، اهمیت پس‌انداز، آینده‌نگری، آمادگی مالی برای اتفاقات غیرمنتظره و داشتن صندوق اضطراری آموزش ببینند، باید منابع لازم برای این آموزش‌ها را هم در اختیارشان بگذارید اما در کشور ما تأکید بر این است که چنین سؤالات مهمی را مطرح نکنیم.

سرفصل‌های مربوط به سواد مالی، در آموزش متوسطه آمریکا گنجانده نشده است. ممکن است این آموزه‌ها در مدارس خصوصی در اختیار طبقه ثروتمند قرار بگیرد اما درمجموع به نفع نظام سرمایه‌داری نیست که مصرف‌کنندگان باسوادی داشته باشد. در آمریکا مصرف‌کنندگان درباره اهمیت پس‌انداز آموزش ندیده‌اند و برعکس، این نظام روی هزینه کردن، توجه صِرف به زمان حال، استفاده از کارت‌های اعتباری و ورود به چرخه معیوب بدهی تأکید می‌کند. همه این مؤلفه‌ها به‌درستی نشان می‌دهد چرا نظام سرمایه‌داری در غرب تا این اندازه موفق بوده است.

من مدرس دانشگاه هستم و معتقدم رفتن به دانشگاه در آمریکا فرایندی بسیار پیچیده است. از یک سو در دانشگاه فرصت‌های بسیاری وجود دارد و استادان و صاحب‌نظران فوق‌العاده‌ای در آنجا تدریس می‌کنند. از سوی دیگر، این امکانات در دسترس همه نیست و تحصیلات دانشگاهی در آمریکا بسیار گران است. یکی از مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد، بدهی وام‌های دانشجویی است. در جایگاه استاد علوم انسانی باید بگویم دانشجویان با بدهی‌های سنگینی مواجه می‌شوند و این موضوع خیلی دردآور است. آنها که قرار بود با کسب دانش برای دنیاکاری انجام دهند، حالا به دلیل بدهی‌های زیاد، انتخاب‌های محدودی دارند و امکان تصمیم‌گیری بر مبنای ایده‌آل‌ها را ندارند. دانشجویان پس از پایان تحصیلات ناچارند دنبال شغلی بروند که بدهی‌ها را بپردازند و همین سیستم باعث شده افراد از رشته‌های خلاقانه علوم انسانی و کارهایی که واقعا دوست دارند، فاصله بگیرند و دنبال رشته‌های پول‌ساز بروند.

ویلیام گدیس، رمان‌نویس مشهور آمریکایی همیشه موضوع مهمی را در رمان‌ها و مصاحبه‌هایش مطرح می‌کند و می‌گوید: «آمریکایی‌ها باید میان چیزهایی که ارزشِ داشتن دارند و چیزهایی که ارزشِ بودن دارند، یکی را انتخاب کنند.» به نظرم، بسیاری از آمریکایی‌ها تحت تأثیر فرهنگ مصرف‌گرایی به‌دنبال چیزهایی می‌روند که ارزشِ داشتن دارند. آنها بر اساس ارزش‌ها و ایدئولوژی سرمایه‌داری تصمیم‌گیری می‌کنند و با خرید کالاهای مصرفی، خود را موفق نشان می‌دهند. درحالی‌که چیزهایی که ارزشِ بودن دارند، مانند معلمی که به جامعه‌اش خدمت می‌کند و حامی ارزش‌های مهمی مثل صداقت و اخلاقیات است، فراموش‌شده است. تا جایی که در چند دهه گذشته شاهد بوده‌ام، این مسأله آسیب‌های جدی به جامعه وارد کرده و البته تأثیر سرمایه‌داری غرب نه‌فقط برای جامعه آمریکا بلکه برای تمام جهان زیانبار است.



برای افزایش سواد مالی و توانمندسازی جامعه در این زمینه چه اقداماتی ضروری است؟

متأسفانه در حال حاضر نخبگان حاکم از قشر ناآگاه و تصمیم‌گیری‌های آنها سود می‌برند؛ تصمیم‌گیری‌هایی که بر مبنای سیلی از تبلیغات صورت می‌گیرد و آنها را به خرید کالاهای پرزرق‌وبرق، جدیدترین ابزارها و کالاهای مصرفی ترغیب می‌کند. به همین دلیل، کمتر شاهد ایجاد تغییر در نهادها و مؤسسه‌ها هستیم.

عامل دیگری که بر سواد مالی در آمریکا تأثیرگذار است و تبعات اقتصادی زیادی دارد، هزینه زندگی در غرب و به‌ویژه جامعه آمریکایی است. زندگی هدیه‌ای است که به ما داده‌شده و برای همین نباید هزینه‌ای داشته باشد اما در سرمایه‌داری غرب واژه هزینه زندگی، خیلی مرسوم است. درحالی‌که طی چند دهه گذشته قیمت‌ها و هزینه زندگی سر به فلک کشیده، دستمزد مردم افزایش مشابهی نداشته است. اخیرا شاهد تغییراتی در قانون حداقل دستمزد بوده‌ایم اما فقط دستمزد کارمندان دولت افزایش‌یافته و در سطح فدرال اتفاق چشمگیری نیفتاده است.

با توجه به فشارهای گسترده‌ای که افزایش هزینه‌های زندگی به‌دنبال داشته و البته همه‌گیری کرونا آن را تشدید کرده، نیاز به بررسی روش‌های مقابله با بحران‌ها و آماده کردن مردم به‌خوبی حس می‌شود اما واقعیت این است که این نظام، تعمدا مردم را به‌سوی این بحران‌ها هدایت می‌کند. آموزش‌وپرورش یکی از حوزه‌هایی است که این چرخه معیوب را به‌خوبی در آن می‌بینیم. اگر شما به‌دنبال فرصت هستید، نیاز به تحصیل دارید اما آموزش‌وپرورش نهادی است که شما را درون بحران پرتاب می‌کند، چون تحصیل در آمریکا یعنی به دوش کشیدن بدهی‌های سنگین. درنتیجه نمی‌توانید بر مبنای روش خردمندانه تفکر و دانشی که در اختیارتان قرارگرفته، تصمیم‌گیری کنید و فقط باید به فکر پرداخت بدهی‌ها باشید.

وضعیت آموزش سواد مالی در مدارس آمریکا چگونه است؟

در بعضی ایالت‌های آمریکا شاهد تغییراتی درزمینه آموزش سواد مالی در مدارس بوده‌ایم اما این تغییرات به‌کندی رخ می‌دهد و البته بسته به ایالت و شهرستان، متفاوت است. ساختار قانونگذاری در آمریکا حتی برای پیاده‌سازی ایده‌ای بسیار ساده، بسیار پیچیده است.

سواد مالی در دوران تحصیل من هیچ جایی نداشت. البته بعضی از همدوره‌های من که در مدارس مرفه درس خوانده‌اند، باسواد مالی و حتی موضوعاتی مثل بازار سرمایه آشنا شده‌اند و فرصت‌هایی برای‌شان فراهم‌شده که تجربه‌هایی کسب کنند اما آموزش اجباری در کار نبود.

فکر می‌کنم تغییرات اخیر، نتیجه اقدامات کسانی است که قصد دارند نظام آموزشی را متحول کنند. با این‌که بازهم یادآوری می‌کنم در مقایسه با اقدامی که برای آگاهی ملی لازم است، این صداها به‌ندرت شنیده می‌شود، چون هر اقدامی که باعث کاهش سود شود به نفع نظام سرمایه‌داری نیست و در سطح فدرال اتفاق نمی‌افتد.

هزینه زندگی در آمریکا زیاد است و با در نظر گرفتن ارزش‌ها و ایدئولوژی بورژوازی، مردم مدام دارند برای سرگرمی و تفریح خرج می‌کنند. آنها در برنامه‌های تلویزیونی و رویدادهای ورزشی، نام برندها را می‌بینند و در زندگی اجتماعی از آنها انتظار می‌رود این کالاها را داشته باشند. تمام این عوامل باعث می‌شود بیش از توان‌شان خرج کنند و تصمیم‌های خوبی نگیرند. اگر مردم به سواد مالی دسترسی داشته باشند و پیامدهای بدهی و استفاده از کارت اعتباری را بدانند، تصمیم‌های اشتباه نمی‌گیرند.

از نظر شما چه مخاطبانی برای آموزش سواد مالی در اولویت هستند؟

بومیان آمریکا و آفریقایی‌تبارها که هر دو از نظر تاریخی به حاشیه رانده‌شده‌اند، مخاطبان اصلی آموزش سواد مالی هستند. با همه‌گیری کرونا و بدتر شدن وضعیت اقتصادی و البته به دلیل عملکرد نهادهای موجود، گروه‌های خاصی از مردم بیشتر آسیب دیده‌اند. بومیان آمریکا کمترین فرصت‌های اقتصادی و آموزشی را داشته‌اند و می‌بینیم سبک زندگی‌شان چطور تحت تأثیر طرح‌های نظام سرمایه‌داری استثمارگر قرارگرفته است. همان‌طور که گزارش‌ها نشان می‌دهد، این گروه براثر انتشار ویروس، دچار آسیب‌های جدی جسمی و اقتصادی شده‌اند.

آفریقایی‌تبارها در آمریکا گروه دومی هستند که باید مخاطبان آموزش سواد مالی باشند. اگر نسل‌کشی را یکی از عوامل شکل‌گیری این کشور در نظر بگیریم، برده‌داری عامل اساسی دیگری است که اقتصاد آمریکا را رونق بخشیده است.

اینها موضوعاتی است که باید درباره آنها گفت‌وگو کرد. ما نه‌تنها باید به این گذشته بد فکر کنیم و متوجه آن باشیم، بلکه باید ببینیم چطور می‌شود این خسارت را جبران کرد. باید رویکرد تحلیلی به این سؤالات داشته باشیم و ارزشی را که این نیروی کار برای اقتصاد کشور ایجاد کرده، تمام و کمال بررسی کنیم و تلاشمان را برای بازتوزیع ثروت به کار بگیریم.